

# خواجہ سناء اللہ خراباتی

محمد حسین تسیحی

و به سرمایه آقای سیدریاض حسین شاه خراباتی چاپ شده و در دسترس دوستاران زبان و ادب فارسی و پیروان و معتقدان خواجہ سناء اللہ خراباتی قرار گرفت .

اما این مقاله که به دوستداران عرفا و ادب و دانشمندان و خداوندان دین و دانش و به دوستداران عرفانی و ادب و جویندگان فرهنگ و هنر و پاکستان شناسان و ایران شناسان تقدیم می گردد «خواجہ سناء اللہ خراباتی» نام دارد . تعداد نسخہ های خطی شناخته شده در این مقاله ۵۲ تألیف است ولیکن خواجہ سناء اللہ خراباتی بیش از یکصد تألیف داشت که ۴۸ تائی آنها مفقود شده است . تا آنجائی که از نسخہ های خطی خواجہ استنباط کرده ام و از آقای سیدریاض حسین شاه شنیده ام و در یادداشت های موجود خواجہ دیده ام شرح حال و آثار وی به قرار ذیل است :

## ۲ - ولادت (۱۲۳۴ هـ ق)

خواجہ سناء اللہ خراباتی در سال ۱۲۲۴ هـ ق در روستای **طنگاہ** در بخش بلندمیر نزدیک سرینگر در کشمیر ولادت یافت و طفولیت را زیر سایه پدر و مادر گذرانید . در نسخہ «صراط المستقیم» از تولد و نام اصلی خود اینگونه یاد کرده است : «بنده پیر خرابات اسمہ سنا ، تولد ۱۲۲۴ ، نام اصلی از پیر و مادر سنا شاه» (رک : همین کتاب ص ۱۳۲) .

۳ - پدر و مادر : متأسفانه نام هیچ کدام را نیافتیم و خودش نیز در جایی از پدر و مادر و خاندانش نام نبرده است . آنگونه که از مطالب نسخہ ها و مخصوصاً نسخہ «دلیل الصادقین» استنباط شد ، تربیت او بیشتر در خانہ جد مادریش بوده است و جد مادری او از مالکان بزرگ «لوکت پورہ» به شمار می رفته است . وی عارف و ادیب

۱ - یکی از روزهای اردیبهشت ماه ۱۳۵۰ خورشیدی آقای سیدریاض حسین شاه خراباتی به کتابخانہ گنج بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان آمد و از گنجینہ نسخہ های خطی خواجہ سناء اللہ خراباتی اطلاعاتی در اختیار نگارنده گذارد و یادآور گردید که بعضی از این نسخہ ها در منزل یکی از دوستانش به نام میان فیض الہی در شهر روالپندی است . قرار شد که از این نسخہ ها دیدن کنم . در ساعت سعد و وقت موعود به دیدار نسخہ ها شتافتم و پس از بررسی آنها متوجه شدم که سراینده و نویسنده نسخہ ها ، عارفی سوخته و شاعری پخته و پیری بینادل است به نام «خراباتی» یا خواجہ سناء اللہ خراباتی . افسوس خوردم که چرا تاکنون ناشناخته و مجهول القدر مانده است . پس از گفت و گو و تبادل نظر در همان خانہ فیض الہی ، فهرست سه نسخہ را نوشتم و علاقه مندی خود را برای فهرست کردن بقیہ نسخہ ها اعلام داشتم . اما مالک نسخہ ، بدان شرط اجازه فهرست برداری می داد که فقط در حضور وی و در خانہ دوستش ادامہ کار بدهم . من هم قبول کردم ، تا اینکه اعتماد و اطمینان وی را کسب نمودم به طوری که بعدها با دست خودش نسخہ های خطی را به کتابخانہ گنج بخش آورد و کار فهرست نگاری را بر من آسان نمود .

اکنون برای این نسخہ ها تحت عنوان «گنجینہ نسخہ های خطی خواجہ سناء اللہ خراباتی» در کتابخانہ گنج بخش ، غرفه بی ترتیب داده شده و نسخہ ها به امانت نهاده شده اند . متأسفانه هیچ کدام از تألیفات خواجہ سناء اللہ خراباتی چاپ نشده بود ، تا اینکه به کوشش و تصحیح این حقیر نسخہ مثنوی «خلاصہ الاسرار» و نسخہ «تحفہ القادری» بنا ترجمہ اردو از پروفیسور احمد حسین احمد قریشی قلعه داری

و درویش متقی بوده است به نام «سید عبدالغفور شاه» که «پیر طریقت» خواجه سناءالله نیز بوده و در تعلیم و تربیت او بسیار کوشیده است .

گویند در عهد کودکی ، هنگامی که خواجه سناءالله خراباتی با همبازی‌های خود مشغول بازی بوده است مورد اصابت یک سنگ قرار گرفت و «کشته شد» و دوستان همبازیهایش گریان و نالان پیش سید عبدالغفور شاه آمدند و خبر واقعه را آوردند . وی فوراً بر بالین آن «کشته» حاضر شد و دست نیاز به درگاه بی‌نیاز برداشت . ناگهان خواجه از جای خود برخاست و نشست و زندگی دوباره یافت (رک : دلیل‌الصادقین) .

۴ - قحطی بزرگ : در اواخر نیمه اول قرن سیزدهم هجری قمری ، سرتاسر کشمیر را قحطی بزرگ فراگرفت و بسیاری از مردمان روستاها و شهرها را نابود کرد و بعضی از ساکنان آنها را آواره نمود . از جمله بازماندگان خاندان خواجه سناءالله خراباتی که از شهر و دیار خود مهاجرت کردند و در شهر جمون سکنی گزیدند و آنگاه که خواجه خراباتی به شهر جمون رسید ، ۱۱ سال داشت . آنگونه که در نسخه «دلیل‌الصادقین» و نسخه «صراط‌المستقیم» نوشته است ، در سال ۱۳۳۵ هـ ق به جمون رسیده و در بازار نو جنب شیردروازه ساکن شده است . و چون در سرودن شعر فارسی استعداد داشت مورد توجه خاص مهاراجه گلاب‌سنگ حاکم جمون واقع شده است و به لقب «جیو» ملقب و به میان صمد جیو معروف گشته است و مدت ۳۰ سال در جمون مانده است و «مهاراجه‌نامه» را در تاریخ پادشاهان و راجه‌ها و مهاراجه‌های کشمیر و جمون و به وزن و سبک شاهنامه سروده است ، ولیکن یک پسر ۱۱ ساله چگونه لقب «جیو» را دریافت داشته و «مهاراجه‌نامه» را سروده است خود جای تأمل است . لفظ «جیو» به معنی «آقا» و بزرگ به بزرگان ادب و شعر و فرهنگ پاکستان اعطا می‌شده است .

۵ - نام : خواجه سناءالله خراباتی به نامهای بسیار شهرت یافته است و هر چه کوشیدیم نتوانستیم بفهمیم که چرا بدین نامها موسوم گشته است . البته آنگونه که خودش نوشته است نام اصلی وی که پدر و مادر و یا جد مادریش بدو بخشیده‌اند «سنا» یا «سنه‌شا» بوده است ولیکن نامهای دیگر را مردم بدو داده‌اند و یا به علت کارهای مختلفی که انجام می‌داده‌است و یا شغل‌های گوناگونی که به دست آورده است ، بدانها موسوم گشته است ، مانند «رفوگر» و «سوداگر پشم» (پچهم) . مثلاً در نسخه صراط‌المستقیم از چند نام خود اینگونه یاد می‌کند :

«بندۀ پیر خرابات» ، اسمہ سنا ، تولد ۱۲۲۴ ، نام

اصلی از پدر و مادر و حضرت پیر خرابات سنه شاه عرف لنگر ، نام دیگر شهرۀ کشمیر خواجه سنا سنه ۱۲۴۰ ، در سنه ۱۲۳۵ لقب از مهاراجه گلاب سنگ در شهر جمون مشهور میان صمد جیو ، در سنه ۱۲۵۸ سنه خوجه در مکتب و رفوگرها و غیره . در بندر کلکته بر محکمۀ تحریر میرزا صمد سوداگر پچهم (پشم) ، در سنه ۱۲۷۱ در جلالپور (جطان) ضلع گجرات آب و دانه قسمت افتاده بود مشهور و اشتها شد : بندۀ پیر خراباب فقیر خواجه ثناءالله خراباتی سنه ۱۲۸۴ هـ ق .

در این یادداشت ، خواجه سناءالله خراباتی برای خود بیش از ده نام با لقب ذکر کرده است اما نگارنده از لابلای جملات نسخه‌های خطی وی ، ۵۷ نام و لقب تخلص و کنیه برای او یافته است . البته بعضی از این نامها مفرد یا مرکب و یا مشتق از یکدیگرند ، با وجود این بازم هر یک جداگانه یک نام محسوب می‌شوند . اینک فهرست نامهای خواجه سناءالله خراباتی را به ترتیب شماره و الفبایی می‌آورم :

- ۱ - احمدی
- ۲ - بندۀ خرابات
- ۳ - بندۀ پیر خرابات .
- ۴ - بندۀ پیر خراباتی .
- ۵ - پیر خرابات .
- ۶ - پیر خراباتی .
- ۷ - ثناء .
- ۸ - ثناءالله .
- ۹ - ثناءالله فضلی .
- ۱۰ - جیو .
- ۱۱ - خرابات .
- ۱۲ - خواجه سناءالله شاه .
- ۱۳ - خواجه سناءالله شاه خراباتی .
- ۱۴ - خواجه شاه سناءالله .
- ۱۵ - خواجه شه (شاید : سنه) الله شاه .
- ۱۶ - خواجه سناءالله فضلی .
- ۱۷ - خواجه سناءالله فضلی خراباتی .
- ۱۸ - خواجه سناءالله فضلی محمدی .
- ۱۹ - خواجه سناءالله لنگر .
- ۲۰ - خواجه سناءالله محمدی .
- ۲۱ - رفوگر .
- ۲۲ - سنا .
- ۲۳ - سناءالله .
- ۲۴ - سناءالله بندۀ پیر خرابات .
- ۲۵ - سناءالله خراباتی .
- ۲۶ - سناءالله فضلی .

پشم» نیز بوده است) ، در جلالپور (جطان) بنده پیر خرابات فقیر خواجه ثناءالله خراباتی» .

اما نامی که نگارنده برای این شاعر انتخاب کرده ، به واسطه شهرت و معروفیت و مقبولیت آن بوده و ضمناً در بیشتر نشان مهرها که از خواجه در آغاز و انجام ولایای او اوراق تألیفاتش برجای مانده است ، این نام و مفردات آنرا به کار برده است ، بنابراین نام «خواجه ثناءالله خراباتی» برای این شاعر کثیرالتألیف ، شایسته و درخور است . البته لفظ «سنا» گاهی با حرف «ث» به امالی «ثنا» در نسخه های خطی و در نشان مهرها ثبت شده است .

۶- تحصیلات : آنگونه که از یادداشت ها و اشعار و آثار موجود خواجه ثناءالله خراباتی برمی آید ، وی در هیچ مکتب و مدرسهای درس نخوانده و به اصطلاح «ناخوانده» بوده است . آنچه که فرا گرفته در نزد جد مادری و برادر گذشت روزگار و مجالست با بزرگان علم و ادب و پیران طریقت بوده است و در یادداشت های متذکر شده است که دانش و آگاهی های وی در علوم ادبی و شعری از «غیب» یا از «غیب الغیب» بدو رسیده است .

در نسخه «دلیل الصادقین» نوشته است که در نزد حضرت شاه عبدالغفور ، شاه صوری و معنوی و پدر بزرگ مادری و پیر طریقت و قبله گاهش تعلیم و تربیت یافته است . پس از حطلی بزرگ در کشمیر ، به جمون رسیده و کوشش بسیار کرده تا علوم و فنون عصر خود را فرا گرفته است . در نسخه «گنج لا افنا» تعداد علوم و زبانهای را که می دانسته است ذکر کرده : زبان کشمیری ، زبان فارسی ، زبان عربی ، زبان اردو ، زبان ترکی ، زبان پنجابی ، نجوم ، هندسه ، هیئت ، قیافه شناسی ، خواب گرایی ، شعر ، اخلاق ، طلسمات ، کیمیا ، طب ، فقه ، تجوید ، انساب ، رجال ، اخبار ، صرف و نحو ، معانی و بیان ، عروض و قافیه ، فقه اللغة ، خط (نسخ ، ثلث ، رقاع ، نستعلیق ، شکسته) ، نقاشی ، رفوگری ، تجارت ، علم الاجتماع . اینها علوم و فنون آن زمان بوده است که بالاجبار می بایست از آنها آگاهی داشته باشد ، اما او خود به عرفان و تصوف گراییده است . و اکثر آثار منثور و منظوم وی از این حکایت می کند .

۷- آثار (۵۴ اثر منظوم و منثور) ، همانگونه که از این فهرست که اکنون در دست شماست نمودار می شود ، خواجه ثناءالله خراباتی ، کثیرالتألیف بوده است و فعلاً ۵۲ تألیف از وی در دست است که ۴۴ نسخه آنها به خط و کتابت خودش و دو نسخه به خط خواجه نظر محمدخان افغانی خلیفه و مرید خاص وی ، ۶ نسخه به خط عمرالدین غلام حسن ، کرم الهی ، کرم بخش ، و کوری قادری (?) است .

- ۲۷- ثناءالله لنگر .
- ۲۸- سنه خوجه .
- ۲۹- سونه خوجه .
- ۳۰- سنه شاه .
- ۳۱- سنی .
- ۳۲- شه سنا .
- ۳۳- شه ثناءالله .
- ۳۴- شاهنشاه .
- ۳۵- صمد .
- ۳۶- صمدالله .
- ۳۷- فضل .
- ۳۸- فضل الله .
- ۳۹- فضلی .
- ۴۰- فقیر .
- ۴۱- فقیر بنده پیر خرابات .
- ۴۲- فقیر پیر خرابات .
- ۴۳- فقیر ثناءالله فضلی .
- ۴۴- فقیر خراباتی .
- ۴۵- فقیر خواجه ثناءالله خراباتی .
- ۴۶- فقیر خواجه ثناءالله .
- ۴۷- فقیر خواجه ثناءالله فضلی .
- ۴۸- فقیر خواجه ثناءالله فضلی خراباتی .
- ۴۹- فقیر ثناءالله بنده پیر خرابات .
- ۵۰- فقیر ثناءالله خراباتی .
- ۵۱- فقیر ثناءالله فضلی بنده پیر خرابات .
- ۵۲- فقیر فضلی .
- ۵۳- لنگر .
- ۵۴- میان صمد .
- ۵۵- میان صمد جیو .
- ۵۶- میرزا صمد سوداگر .

علت دیگری که خواجه خراباتی این همه نام را برای خود برگزیده و یا از جانب مردم بدانها شهرت و معروفیت یافته ، آن است که خواجه همیشه در «گردش و سفر» و به اصطلاح خودش در «سیروسلوک» بوده است . چنانکه نام اصلی وی که بنا بر گفته خود پدر و مادرش و حضرت پیر خرابات یعنی شاه عبدالغفور به او داده اند سنا ، سنه شا ، و نامی که مردم بر او نهاده اند لنگر ، در کشمیر خواجه سنا ، در جمون ، میان صمد جیو ، در مکتب سنه خوجه ، در محکمه تحریر در کلکته میرزا صمد سوداگر پچهم ( لفظ پچهم را در زبان هندی «مغرب» می گویند ، اما بعضی به «پشم» معنی کرده اند و بنابراین «سوداگر مشرق» یا «سوداگر

اما آنگونه که از یادداشت‌های موجود وی برمی‌آید ، و چنانچه آقای سیدریاض حسین‌شاه خراباتی بازمانده خواجه سناءالله می‌گفت و با قیاس‌های تاریخی که به عمل آمد ، ۱۰۲ تألیف داشته است که متأسفانه ۵۰ تألیف وی گم شده و با درجهایی موجود است که در حال حاضر ما از آن‌ها خبری نداریم . امیدوارم روزی یافته شوند و به فهرست نسخه‌های وی افزوده گردند . آثار موجود خواجه سنا به سه قسمت منقسم است :  
 ۱ - منثور ، ۲ - منظوم ، ۳ - منثور و منظوم .  
 ۱ - آثار منثور : ۴ نسخه .  
 ۲ - آثار منظوم : ۴۴ نسخه (مثنوی ۳۷ نسخه ،

قصاید ۳ نسخه ، غزلیات ۲ نسخه ، انواع دیگرشعر ۲ نسخه) .  
 ۳ - آثار منظوم و منثور : ۴ نسخه .  
 با شمارش تقریبی ابیات که از آثار و منظوم خواجه سنا به‌عمل آمد ۱۰۲۷۲۵ بیت سروده است که از آن میان ۱۲۹۲ بیت به زبان کشمیری و در حدود ۲۵۰ بیت به زبان اردو و پنجابی و ۱۰۱۱۸۳ بیت به زبان فارسی است .  
 ۸ - زبان و آثار : از آثار منظوم و منثور خواجه برمی‌آید که ۵۱ نسخه به زبان فارسی و یک نسخه به زبان کشمیری است . البته در لابلای نسخه‌ها ، بعضی یادداشت‌ها ، و اشعار پراکنده به زبان اردو و پنجابی نیز آمده است و حتی در یک نسخه چند صفحه به زبان ترکی کتابت شده است که می‌رساند خواجه ترکی هم می‌دانسته است .

| شماره | نام                          | نظم یا نثر    | زبان  | تعداد ابیات | تاریخ تألیف<br>ه - ق | وزن یا بحر   | کتابخانه | شماره موضوع |
|-------|------------------------------|---------------|-------|-------------|----------------------|--------------|----------|-------------|
| ۱     | بحر الانوار                  | مثنوی         | فارسی | ۳۶۰۰        | ۱۲۷۵                 | بحر سریع     | ۴        | ۸۹۰         |
| ۲     | تحفه الزمان                  | «             | «     | ۴۹۴         | ۱۲۷۲                 | بحر خفیف     | ۸        | ۸۹۰         |
| ۳     | تحفه القادری                 | قصاید مدایح   | «     | ۱۲۸۰        | ۱۲۸۱                 | بحر مختلف    | ۴۵       | ۸۹۰ و ۲۹۰   |
| ۴     | تذکره الکاملین               | مثنوی         | «     | ۳۱۵         | -                    | بحر رمل مسدس | ۳۵       | ۸۹۰ و ۲۹۰   |
| ۵     | تذکره الواصلین               | «             | «     | ۷۹۰۰        | ۱۲۷۹-۱۲۷۸            | بحر رمل مسدس | ۲۰       | ۸۹۰ و ۲۹۰   |
| ۶     | تصدیق الايقان                | «             | «     | ۳۲۰۰        | ۱۲۸۴                 | بحر رمل مسدس | ۲۵       | ۸۹۰ و ۲۹۰   |
| ۷     | تفریح مجالس                  | منثور         | «     | -           | ۱۲۸۳                 | -            | ۳۷       | ۸۹۰ و ۱۷۰   |
| ۸     | تفریح المجالس                | مثنوی         | «     | ۶۷۰         | ۱۲۷۳                 | بحر خفیف     | ۴۱       | ۸۹۰ و ۱۷۰   |
| ۹     | تفسیر سنا ، ج ۲              | «             | «     | ۴۶۰۰        | -                    | بحر رمل مسدس | ۳۹       | ۸۹۰ و ۲۹۰   |
| ۱۰    | جنات النعم                   | «             | «     | ۲۲۰۰        | ۱۲۸۷                 | بحر رمل مسدس | ۴۰       | ۸۹۰ و ۲۹۰   |
| ۱۱    | جنت الاسرار ، ج ۱            | «             | «     | ۸۰۰۰        | ۱۲۷۷ و ۱۲۷۶          | بحر هزج مسدس | ۱۱       | ۸۹۰         |
| ۱۲    | جنت الاسرار ، ج ۲            | «             | «     | ۷۳۰۰        | ۱۲۷۶                 | بحر هزج مسدس | ۱۲       | ۸۹۰         |
| ۱۳    | جنت العارفين                 | «             | «     | ۳۲۴۰        | ۱۲۷۴                 | بحر هزج مسدس | ۱۰       | ۲۹۰ و ۸۹۰   |
| ۱۴    | جنت العارفين                 | منثور         | «     | ۳۶۱۴        | ۱۲۷۴                 | بحر هزج مسدس | ۳۸       | ۲۹۰ و ۸۹۰   |
| ۱۵    | چهارده بند محبى الدين        | قصاید         | «     | ۱۰۴۰        | ۱۲۹۱                 | بحر مختلف    | ۴۴       | ۸۹۰ و ۲۹۰   |
| ۱۶    | حقیقت الاسلام                | مثنوی         | «     | ۲۵۰۰        | ۱۲۷۶                 | بحر رمل مسدس | ۴۲       | ۸۹۰ و ۲۹۰   |
| ۱۷    | حقیقه الافعال                | «             | «     | ۴۸۰         | ۱۲۹۲                 | بحر رمل مسدس | ۳۶       | ۸۹۰ و ۲۹۰   |
| ۱۸    | حقیقه الاولیاء               | «             | «     | ۳۳۸۸        | ۱۲۹۲                 | بحر هزج مسدس | ۱۴       | ۸۹۰         |
| ۱۹    | خردنامه خراباتی              | «             | «     | ۱۵۳۰        | ۱۲۶۲                 | بحر رمل مسدس | ۱۳       | ۸۹۰         |
| ۲۰    | خلاصه الاسرار                | «             | «     | ۲۳۰         | ۱۲۵۲ یا ۱۲۵۳         | بحر رمل مسدس | ۴۶       | ۸۹۰         |
| ۲۱    | خلاصه التوحید موحدین         | منثور و منظوم | «     | -           | ۱۲۸۰                 | -            | ۴۷       | ۸۹۰ و ۲۹۰   |
| ۲۲    | خردنامه                      | مثنوی         | «     | ۳۶۶۶        | ۱۲۷۷                 | بحر رمل مسدس | ۲۱       | ۸۹۰         |
| ۲۳    | دفتر پنجم از کلیات دیوان سنا | غزلیات        | فارسی | ۱۵۰۰        | ۱۲۸۴                 | بحر مختلف    | ۶        | ۸۹۰         |
| ۲۴    | دلیل الصادقین                | نظم و منثور   | «     | -           | ۱۲۸۰                 | -            | ۳۴       | ۸۹۰ و ۲۹۰   |

| شماره | نام                                   | نظم یا نثر    | زبان   | تعداد ابیات | تاریخ تألیف<br>ه - ق | وزن یا (بحر)    | کتابخانه | شماره موضوع |
|-------|---------------------------------------|---------------|--------|-------------|----------------------|-----------------|----------|-------------|
| ۲۵ -  | دیوان خراباتی به زبان کشمیری ، ج ۱    | غزلیات        | کشمیری | ۱۳۶۸        | ۱۲۹۲                 | بحورمختلف       | ۱۵       | ۸۹۰         |
| ۲۶ -  | دیوان خراباتی یا فضلی ، ج ۲           | «             | فارسی  | ۶۱۱۰        | ۱۲۹۲-۱۲۸۳            | بحورمختلف       | ۲        | ۸۹۰         |
| ۲۷ -  | دیوان خراباتی یا فضلی ، ج ۳           | غزلیات        | «      | ۴۴۰۰        | ۱۲۷۶-۱۲۴۵            | بحورمختلف       | ۵        | ۸۹۰         |
| ۲۸ -  | سبحات آفتابی دررد وهابی               | مثنوی         | «      | ۱۴۴۰        | ۱۲۸۵                 | بحورمختلف       | ۱۶       | ۸۹۰ و ۲۹۰   |
| ۲۹ -  | سراج الطالبین                         | «             | «      | ۱۵۰۰        | ۱۲۸۲                 | بحررمل مثنی     | ۲۲       | ۸۹۰ و ۲۹۰   |
| ۳۰ -  | سلسله فضلی                            | منثور         | «      | -           | ۱۲۸۸                 | -               | ۵۰       | ۹۵۰         |
| ۳۱ -  | سلسله فضلی                            | «             | «      | -           | ۱۲۹۲                 | -               | ۵۱       | ۹۵۰         |
| ۳۲ -  | سماع العرفان                          | مثنوی         | «      | ۱۳۰۰        | ۱۲۹۷ و ۱۲۸۷          | بحرخفیف         | ۳۰       | ۸۹۰ و ۲۹۰   |
| ۳۳ -  | شجره نامه یا نسب نامه طریقت           | «             | «      | ۱۰۰         | ۱۲۹۱                 | بحر سریع        | ۴۹       | ۹۵۰         |
| ۳۴ -  | خواجه سنا خراباتی                     | مثنوی         | «      | -           | ۱۲۵۵                 | بحررمل مسدس     | ۷        | ۸۹۰         |
| ۳۵ -  | شمع العارفین وسجن الکاوبین            | «             | «      | ۱۳۰۰        | ۱۲۸۴                 | بحررمل مسدس     | ۱۷       | ۸۹۰ و ۲۹۰   |
| ۳۶ -  | شمع الهدی یا سراج الهدی               | «             | «      | ۱۳۰۰        | ۱۲۸۸                 | بحر متقارب مثنی | ۴۸       | ۸۹۰ و ۲۹۰   |
| ۳۷ -  | صراط المستقیم                         | «             | «      | ۲۵۰۰        | ۱۲۸۷                 | بحررمل مسدس     | ۴۳       | ۸۹۰ و ۲۹۰   |
| ۳۸ -  | عبرت نامه                             | «             | «      | ۹۷۰         | -                    | بحررمل مسدس     | ۳۲       | ۸۹۰ و ۱۷۰   |
| ۳۹ -  | عجیب التعبير                          | «             | «      | ۵۵۰         | ۱۲۸۳                 | بحررمل مسدس     | ۱۸       | ۱۳۰         |
| ۴۰ -  | قعه بوالعجب عشق به زبان کشمیری        | مثنوی         | «      | ۱۱۰۰        | ۱۲۸۴                 | بحر هزج مسدس    | ۲۳       | ۸۹۰         |
| ۴۱ -  | کنز مجربات یا جنّت الاعلی ششم         | کشمیری        | «      | ۶۰۰         | -                    | -               | ۲۸       | ۸۹۰ و ۲۹۰   |
| ۴۲ -  | گلبدن ، دفتر اول و دوم                | «             | «      | ۲۱۰۰        | ۱۲۸۸                 | بحرخفیف         | ۲۹       | ۸۹۰         |
| ۴۳ -  | گنج لا افنا                           | «             | «      | ۱۸۰۰        | ۱۲۸۷                 | بحرخفیف         | ۳۱       | ۳۶۰         |
| ۴۴ -  | لغات دررد فرقه های ضال                | منثور و منظوم | «      | -           | -                    | -               | ۳۰       | ۲۹۰ و ۸۹۰   |
| ۴۵ -  | للهی نامه یا لله نامه                 | مثنوی         | «      | ۳۴۹۰        | ۱۲۸۳                 | بحررمل مسدس     | ۱۹       | ۲۹۰ و ۸۹۰   |
| ۴۶ -  | مجمع البرکات                          | «             | «      | ۱۹۰۰        | ۱۲۷۸                 | بحررمل مسدس     | ۲۴       | ۸۹۰         |
| ۴۷ -  | مجمع الفضائل                          | «             | «      | ۱۱۷۰        | ۱۲۸۳                 | بحر مضارع       | ۱        | ۸۹۰         |
| ۴۸ -  | مغفرت نام یا جنّت الاعلی هشتم         | «             | «      | ۳۵۰         | ۱۲۸۴                 | بحرخفیف         | ۲۷       | ۸۹۰ و ۲۹۰   |
| ۴۹ -  | مفتاح الفتوح یا کتاب جنّت الاعلی هفتم | نثر و نظم     | «      | -           | ۱۲۸۴                 | بحررمل مسدس     | ۲۶       | ۸۹۰ و ۲۹۰   |
| ۵۰ -  | مهارج نامه یا راج نامه                | مثنوی         | فارسی  | ۳۵۰۰        | ۱۲۷۶ و ۱۲۷۵          | بحر متقارب      | ۱۹       | ۸۹۰ و ۹۵۰   |
| ۵۱ -  | مهارج نامه یا مهراج                   | «             | «      | ۲۵۰۰        | ۱۲۷۶                 | «               | ۱۰       | ۸۹۰ و ۹۵۰   |
| ۵۲ -  | نصرت نامه                             | «             | «      | ۵۰۰         | ۱۲۹۲ و ۱۲۹۱          | بحررمل مسدس     | -        | -           |

جمع همه ابیات در آثار منظوم فارسی و کشمیری و دیگر زبانها ۱۰۲۷۲۵ بیت است .

**۱۰ - سبک آثار :** خواجه سناء الله خراباتی به طوری که از آثار او برمی آید در شعر و سخن (نظم و نثر) پیرو متقدمان است و از آثار شاعران و نویسندگان صوفی مسلک استفاده فراوان کرده است . مثلاً «گلشن راز» ، شیخ محمود شبستری را در دو جلد به نظم و بر همان وزن شرح کرده است و آنرا «جنت الاسرار» نامیده است . مهاراجه نامه راه پیروی از شاهنامه فردوسی و بر وزن شاهنامه فردوسی سروده است . خلاصه الاسرار را به پیروی از منطق الطیر عطار ، رحیمیا یا «شمع الهدی» را به تبع «کریمیا» که برگزیده بی از بوستان سعدی است به نظم در آورده است . اشعار بسیاری از شاعران معروف را تضمین کرده است ، از جمله : سنایی ، مولوی . سعدی ، جامی ، عطار ، نظیری ، و در همه تضمینات می کوشیده است که همانند همان شاعر و به سبک وی بسراید .

خواجه در سخن سرایی و نویسندگی شتاب و عجله بسیار داشته است و مثلاً در یک روز مثنوی می سراییده و خود کتابت می کرده است و بدین جهت اشتباهات املائی و غلطهای اشتباهی و اختلافات تاریخی بسیار دارد ... اشعارش سکنه ندارد و از عیوب قافییه و تزلزل وزن و بحر خالی نیستند و چون زبان عربی را خوب نمی دانسته است ، آیات قرآنی و احادیث نبوی و کلمات مشایخ را که نقل کرده است مرتکب اغلاط و اشتباهات فراوان شده است . در این میان خواجه خراباتی را مقصر می توان شمرد زیرا در حقیقت ، عهد وی ، عهد زوال و انقراض زبان فارسی در شبه قاره بوده است و با وجود اینکه از تاریخ ۱۲۵۰ تا ۱۳۵۰ ه ق . دهها هزار کتاب فارسی در شبه قاره چاپ و منتشر گردیده است باز هم نتوانسته است از زوال و انقراض زبان فارسی جلوگیری کند .

باری ، به طور کلی ، سبک شعر و نثر خواجه سناء الله خراباتی را می توان «سبک هندی» یا «سبک پاکستانی» گفت زیرا نکته های باریک عرفانی و خرده گیری های دقیق دینی را طوری می آورد که بدون تأمل و تفکر فهم و درک آنها دشوار است اما چون به مثنوی سرایی گراییده و ۳۶ مثنوی سروده است و اوزان خوب و معمول را برگزیده است ، شعر او از نثرش مفهوم تر است و سوز و گداز و جذبه و شوق و حال در مثنوی های او فراوان است .

### ۱۱ - خاندان :

خواجه سناء الله خراباتی از لحاظ نسب خونی به حضرت سید عبدالرحمان بلبل شاه کشمیری می رسد . وی در اوایل قرن هفتم هجری به عهد راجه رتن بو حاکم کشمیر از ترکستان به کشمیر آمد ، اما خواجه سناء الله این نسب را

دوست نداشت . بلبل شاه بدان جهت می گفتند که گویا بلبل در عمامه او لانه کرده و تخم گذاشته و جوجه در آورده بود .

**۱۲ - زن و فرزندان :** از قرار تحقیق سه زن داشته است و دو دختر از یک زن و دو پسر از زن دیگر و از یکی از زنان فرزند نداشته است . نام پسرها سید احمد شاه و سید محمد شاه بود . هنگامی که از جمون به پنجاب می آمد ، به آن زن که مادر دو دختر بود گفت : باید با من بیایی . اما وی امتناع کرد و بدین واسطه او را طلاق گفت . دو دختر او نیز یکی پس از دیگری بیمار شدند و در گذشتند . آقای سید ریاض حسین شاه خراباتی می گفت : آن زن هم پس از چند روز بیمار شد و مرد و این به واسطه نفرین خواجه سناء الله بود .

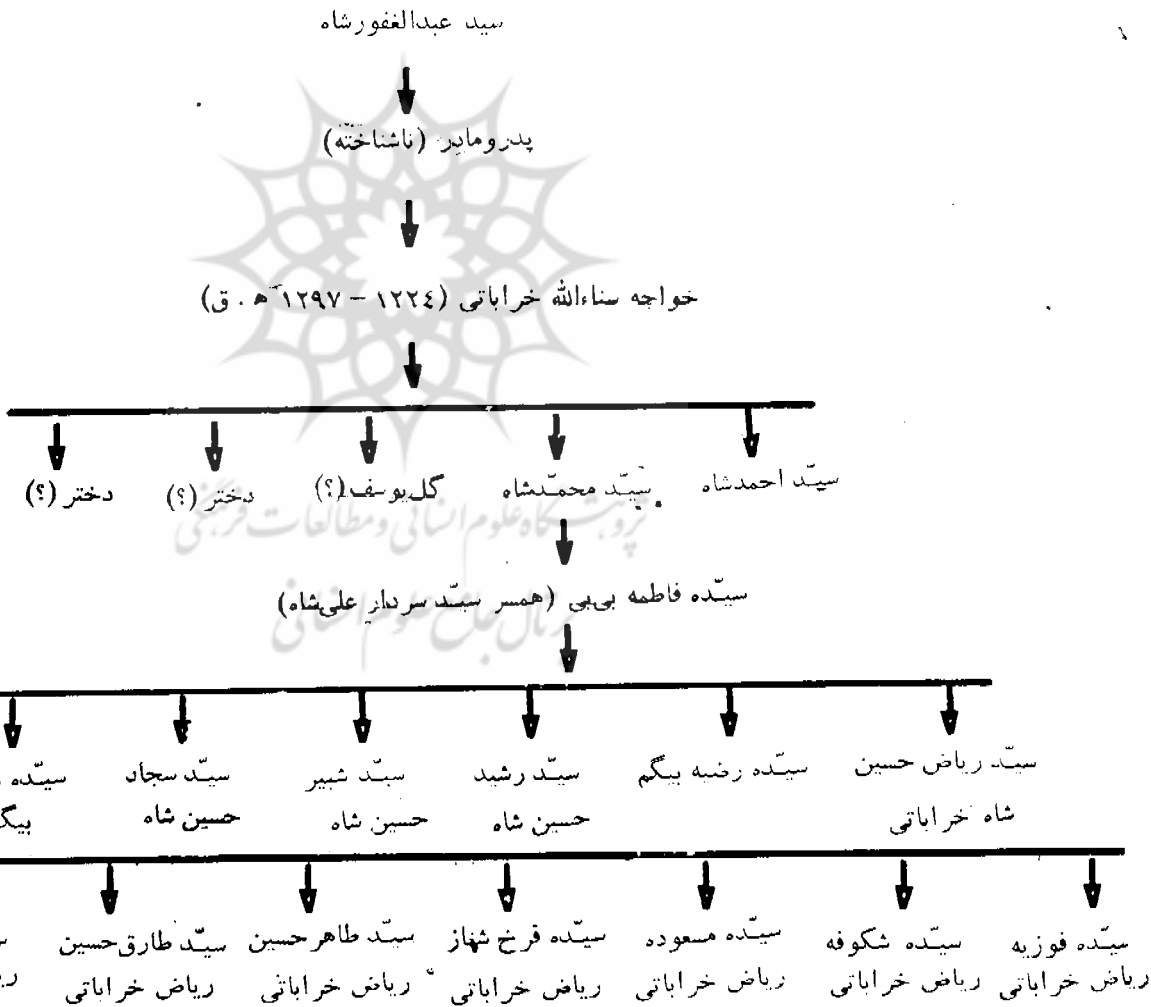
اما سید احمد شاه در سن ۱۸ سالگی در گذشت و در قبرستان جنک شاه ولی جلال پور جتان دفن شد . سید محمد شاه ۱۲ ساله بود که پدرش خواجه سناء الله خراباتی وفات یافت . وی پس از مرگ پدر دارای درجه و مقام بزرگ گردید و در جلالپور جتان بخش گجرات به «پادشاه بی تاج» معروف شد و از طرف دولت و حکومت انگلیسی پنجاب مسئولیت های بزرگ بدو واگذار گردید . مادر سید محمد شاه ۲۷ سال پس از مرگ خواجه سناء الله یعنی در سال ۱۳۲۴ ه ق در گذشت ، و اکنون در طرف چپ قبر خواجه در جلالپور جتان مدفون است .

**۱۳ - بازماندگان :** بنابراین از بازماندگان خواجه سناء الله خراباتی در جلالپور جتان محمد شاه پسر دوم از زن دوم خواجه بوده است . وی سه زن گرفت : زن اول از «امرتسر» که خواهر احمد شاه از مجله کتره خزانه والا در امرتسر بود . زن دوم را طلاق داد زن سوم «نوریبگم» نام داشت . وی خواهر نور شاه اهل داهل بنگس از بخش کاریان شهرستان گجرات بود . محمد شاه در سال ۱۳۳۹ ه ق در گذشت و از وی و از نوریبگم یک دختر باقی ماند به نام «سیده فاطمه بی بی» . این سیده فاطمه بی بی که نبیره خواجه سناء الله خراباتی بود به سید سردار علی شاه شوهر کرد و از آنها هفت فرزند به وجود آمد به نامهای : سید ریاض حسین شاه (متولد ۱۹۲۴ م) ، سیده رضیه بیگم (متولد ۱۹۲۶ م) که در کودکی در گذشت . سید رشید حسین شاه (متولد ۱۹۲۸ م) وی نیز در کودکی در گذشت . سید شبیر حسین شاه (متولد ۱۹۳۰ م) که اکنون ساکن راولپندی است . سید سجاد حسین شاه (متولد ۱۹۳۲ م) که اکنون ساکن عربستان سعودی است . سیده صفیه بیگم و سیده ساره بیگم دو قولو به دنیا آمدند و در کودکی در گذشتند . سیده فاطمه بی بی در سال ۱۹۶۲ م در گذشت و در قبرستان میانی صاحب

نزد قبر پسر خاله خود در لاهور مدفون است . اما سید سردار علی سلمه الله تعالی در لاهور زندگی می کند . سید ریاض حسین شاه خراباتی نخستین فرزند سید سردار علی شاه در آوریل ۱۹۴۷ م با سیده طاهره خانم دختر سید عنایت شاه برادر سید حبیب شاه مدیر سیاست و خواهر سید عطاء الله شاه هاشمی فیلمبردار و رئیس اداره صنعت فیلم لاهور ازدواج کرد و دارای هشت فرزند است بدنامهای: سیده فوزیه خراباتی (متولد ۱۹۴۸ م) سیده مسعوده نیلوفر (در کودکی درگذشت) ، سیده نیلوفر خراباتی (متولد ۱۹۵۰) ، سیده فرخ شهناز خراباتی (متولد ۱۹۵۲ م) ، سید طاهر حسین خراباتی (متولد ۱۹۵۷) . سید

ضرار حسین خراباتی (متولد ۱۹۶۴ م) . سید ریاض حسین شاه خراباتی برای ترویج فکر و گسترش تعلیمات و چاپ و انتشار آثار منشور و منظوم نیای بزرگوار خود حضرت خواجه سناء الله خراباتی کوشش فراوان می کند و از بذل مال و جان دریغ نمی ورزد ، خدای بزرگ موفقش بدارد . اینک نسب نامه خاندانی خواجه سناء الله خراباتی را در جلالپور چنان بخش گجرات در ذیل می آورم .

۱۴ - نسب نامه خاندانی :

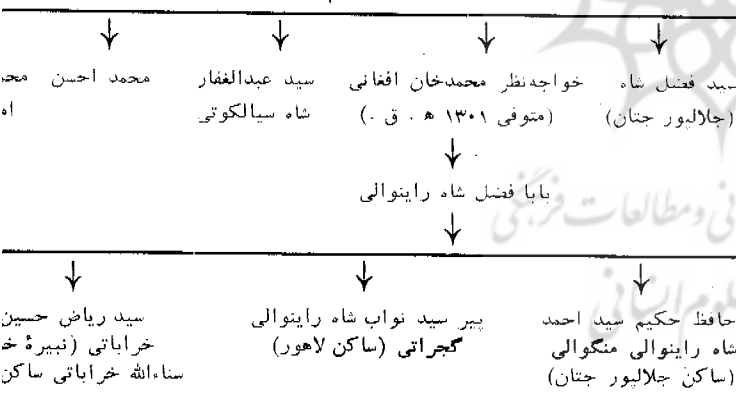
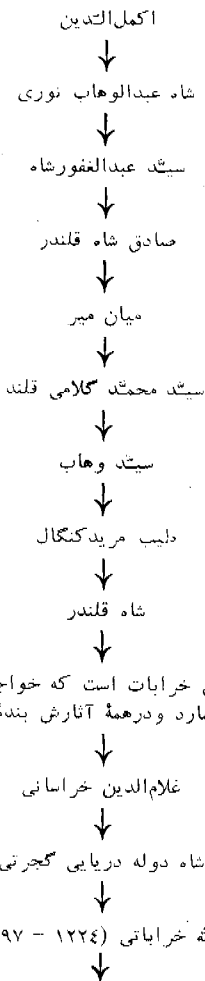




۱۵ - سلسله طریقت : خواجه سناء الله خراباتی در مذهب حنفی است و به حنبلی و شافعی و مالکی احترام می‌گذارد و بر بقیه سلاسل یا فرق اسلامی خرده‌گیر و نکته‌چین است بر بعضی دشمنی سرسخت است و اشعار و یادداشت‌های بسیار در رد فرق مختلف اسلامی دارد (رك : فرقه الضال یا لغات در رد فرقه‌های سنال ۳۰، ۳۰، ۲۹۰ در همین کتاب) اما در طریقت قادری است و به دیگر طریقت‌ها مانند : چشتیه ، کبرویه ، سهروردیه ، اویسیه ، نقشبندیه ، قلندریه ، توجه خاص دارد . در کلیه آثارش ، مدح و منقبت حضرت شیخ عبدالقادر گیلانی عارف و فقیه قرن پنج هجری را بسیار می‌گوید و سلسله طریقت خود را بدو می‌رساند و نیز خود سلسله طریقت دارد که آنرا «سلسله فضلی» یا «سلسله خراباتی» نامیده است و جداگانه برای هر کدام يك «شجره‌نامه» یا «سلسله‌نامه» و یا «نسب‌نامه» ساخته‌است که به صورت سه طومار باقی مانده است . خواجه سناء الله این سه طومار را به خط خود نوشته است دو طومار را سلسله فضلی یا سلسله خراباتی و يك طومار را شجره‌نامه یا نسب‌نامه طریقت خواجه سناء الله خراباتی می‌توان نامید . طومار اول و دوم منشور و طومار سوم منظوم است . هر طومار از حضرت محمد بن عبدالله پیامبر اسلام (ص) آغاز می‌گردد و به پیر سید نواب شاه راینوالی گجراتی که اکنون در لاهور امام جامع مسجد نوری است انجام می‌یابد . البته کاتب و طراح «نسب‌نامه» و «شجره‌نامه» و «سلسله‌نامه» خواجه سناء الله خراباتی است تا آن زمان که در قید حیات بوده یا توانایی نوشتن داشتند است . یعنی تا سال ۱۲۹۱ هـ ق ، و از آن به بعد به خط کاتب یا کاتبان دیگر است بدین شرح هر کس که از سلسله خراباتی یا سلسله فضلی به خلافت رسیده است و خرده ارشاد خراباتی را پوشیده است ، نام خود را افزوده است . اینک شجره‌نامه طریقت خواجه سناء الله خراباتی را به‌طور خلاصه در زیر می‌آوریم .

### ۱۶ - شجره‌نامه طریقت : <<<<

۱۷ - پیران طریقت : همانگونه که در پیش نوشتیم ، خواجه سناء الله خراباتی به همه عارفان و پیران طریقت و شاعران و نویسندگان متصوفه که آنها را درک نکرده است و در تاریخ ادب و عرفان و تصوف شهرت و معروفیت دارند عشق ورزید و آنها را مدح و منقبت کرده است . اما به حضرت شیخ عبدالقادر جیلانی یا گیلانی (۴۷۰ - ۵۶۱ هـ ق) رحمة الله مدفون در بغداد و عالم روحانی و عارف و فقیه اسلامی قمری عنقی عجیب و محبتی شگفت‌آور داشته‌است و در مدح او



قصاید غرا و قطعات زیبا و غزلیات پرسوز و گداز و مثنویات کوتاه و ترکیب‌بندها و ترجیح‌بندها سروده است و از «فتوح الغیب» و «غنیة الطالبین» وی بسیار بهره‌مند گشته است .



نسخه تحفة القادری که می‌توان آنرا «دیوان مدایح خراباتی» نامید و نیز نسخه «چهارده بند محیی‌الدین الدین» کلیه در مدح و منقبت شیخ عبدالقادر گیلانی است و از وی به نام‌ها و لقب‌های گوناگون یاد می‌کند، مانند: پیر، پیر پیران، جیلان، جیلانی، دستگیر، شاه اولیا، شاه بغداد، شاه جیلان، شاه محیی‌الدین عبدالقادر گیلانی، عبدالقادر جیلانی، غوث، غوث اعظم، غوث الثقلین، غوث جیلانی، قادر جیلان، محبوب سبحانی، محیی‌الدین، محیی‌الدین شیخ عبدالقادر جیلانی، میران محیی‌الدین، میرمیران.

اما پیران و مشایخ طریقت را که درک کرده نیز بسیار ستوده است و با تمام دل و جان آنها را مدح کرده و از کلمات و اشعار و سخنانشان در آثار خود بسیار آورده و آنها را تضمین و توضیح و تفسیر کرده است. نسخه تذکرة الواصلین خصوصاً و دیگر نسخ او عموماً حاوی اسامی مشایخ عرفان و پیران طریقت و بزرگان ادب است که اکثر آنها را درک کرده و دیده و با آنان دست بیعت داده و هم‌نشینی نموده و به بحث و گفت‌وگو نشسته و مناظره کرده است، مانند: شاه دولت دریایی گجراتی، شاه صادق قلندر، سید عبدالغفور شاه و غیرهم (رک: شجره نامه طریقت در این مقدمه). برای هر کدام از این پیران طریقت عنوان‌هایی در نسخه «تذکرة الواصلین» و «تذکرة الکاملین» موجود است. مانند: دفتر اول قادری، دفتر دوم قلندری، دفتر سوم غفوری، دفتر چهارم صادقی اما از همه بیشتر به سید عبدالغفور شاه ارادت می‌ورزیده و خرقه ارشاد و اجازه «پیر خرابات بودن» را از دست او گرفته است (رک: تذکرة الواصلین، همین کتاب ص ۱۲ - ۱۷، تذکرة الکاملین).

**۱۸ - تصوف و عرفان:** خواجه سناءالله خراباتی آنگاه که در کشمیر بود، اغلب آنچه را که می‌نوشت و می‌سرایید، در موضوع تاریخ و وقایع بود، مانند: «مهاراجه نامه» که در موضوع تاریخ مهاراجه‌ها و حاکمان جمون و کشمیر است. اما همین که به سیر و سفر پرداخت و تجارب فراوان به دست آورد و در جلالپور جتان سکنی گزید و دوستان عرفانی و مریدان حقیقی تحصیل کرد به سوی «تصوف و عرفان» گرایید، زیرا مریدانش از وی همین‌را می‌خواستند.

یک روز مرید خاص وی خواجه نظر محمدخان افغانی از وی درخواست کرد که هرگاه کلمات عرفانی و اشعار ادبی و سخنان اخلاقی و جملات تربیتی «حضرت بابا سنا» تحنیف و تألیف گردد، بعد از حیات دنیوی ما مریدان شما و دیگر مردمان نیازمند را به کار آید و ما را قدر و منزلت افزایش دهد. بدین جهت یک‌باره آتش شوق در دل و جان وی زبانه کشید

و آغاز سرودن و تحنیف کردن گذاشت تا آنجا که در یک روز یک مثنوی و در یک ماه چند تمنیف (تذکره، غزلیات، قطعات و دیگر انواع شعر) به وجود آورد. از آثار موجود خواجه سناءالله برمی‌آید که در سرودن و تحنیف کردن مثنوی عرفانی، قدرتی فوق قدرت بشری داشته و گویی چشمه‌یی جوشان بوده که پیوسته جوشیده و آب زلال شعر فارسی را در مفاهیم و مضامین عرفانی و ادبی بیرون می‌ریخته است، با وجود این همیشه خود را «نادان» و «حتییر» و «فقیر» و «عامی» و «نالایق» می‌شمرده است و به اصطلاح «خفض جناح» کرده و «کف نفس» داشته است.

**۱۹ - مریدی و مرادی:** خواجه سناءالله خراباتی مخالف سرسخت «مریدی و مرادی» و «سالکی و مرشدی» و «شاگردی و پیری» بوده است و معتقد بوده و همواره می‌گفته است: «من خودم را نمی‌شناسم دیگران را چگونه بشناسم»، زیرا مریدان و شاگردان پس از مرگ من کارهای دیگری می‌کنند و بدنامی برای من می‌ماند.

بدین سبب هر کس که می‌خواست مرید وی بشود با او بسیار سخت رفتاری کرد و امتحانات مخصوص از او می‌نمود و تحت شرایط طاقت‌فرسا و جانکاه قرارش می‌داد و ریاضت‌ها و چله‌نشستن‌های عجیب و غریب از او می‌کشید و سرانجام با مهر مخصوص آهنی که در آتش سرخ می‌کرد آنها را «دخ» می‌نمود. برای همین مسأله بود که کسی مرید او نمی‌شد، و فقط پنج مرید علاقمند و فداکار داشت به نام‌های: خواجه نظر محمدخان افغانی، سید فضل‌شاه جلالپور جطانی، محمد احسن، محمد صادق امرتسری، سید عبدالغفار شاه سیالکوٹی.

خواجه سناءالله در نسخه سماع‌العرفان راجع به عرفان خود از قول غلام محیی‌الدین کشمیری اینگونه آورده است: «غلام محیی‌الدین کشمیری بسیار زیارات فقرا کرده ولیکن بمثل خواجه صاحب عالی نسب، خواجه سناءالله صاحب مرد حناتی، راستبار، پاکباز ندیدم، اصلاً سعید ازلی بود».

**۲۰ - سیر و سفر:** خواجه سناءالله خراباتی در روزگار جوانی پیوسته در سیر و سفر بوده است و تقریباً شبه قاره پاک و هند گشته است، چنانکه در کودکی از روستای طلنکاه زادگاه خود بیرون آمد و به جمون رسید و در آنجا مورد توجه خاص مهاراجه گلاب سنگه واقع گردید و مدت ۳۰ سال در نزد او ماند و «مهاراجه نامه» را در تاریخ پادشاهان و حاکمان و مهاراجه‌های کشمیر و جمون بر وزن شاهنامه

فردوسی سرود و لقب «جیو» دریافت و متصدی کاخ سلطنتی و وزیر توشه خانه (تشریفات و مهمان داری) و وزیر تجارت گردید و از طرف گلاب سنگه با درجه قافله سالار تجار به کلکته و افغانستان و ترکستان و روس و ایران سفر کرد و تجارب بسیار و دوستان فراوان بدست آورد. در یکی از نسخه‌ها آورده است که در ایران با دختر ناصرالدین شاه قاجار به مناظره نشستند و مشاعره کرده و فی البداهه اشعاری سروده است و جواب گفته است. هنگام بازگشت ابیاتی چند به نام «قند پارسی» و برای «تبرک» از آن دختر با خود آورده است. در ترکستان زبان ترکی آموخته است و در نسخه «للهی نامد» یا «لله نامه» صفحه ترکی و فارسی به خط وی موجود است.

هنگام بازگشت از این سیروسفر پر اثر، از قرار تحقیق سه وزیر مهاراجه گلاب سنگه با وی از در مخالفت درآمدند و با او دشمنی‌ها کردند و سرانجام او را متهم به خیانت نمودند. مهاراجه هم او را در «قلعه هری پست» به زندان افکند. اما بعداً معلوم شد که وی بی‌گناه است. یک دوست داشت به نام قطب‌الدین که استاندار سرینگر بود. یک اسب و ۵۰۰ اشرفی برای او حاضر کرد و از وی درخواست نمود که زودتر به پنجاب برود. وقتی که به پنجاب رسید، نخست در شهر جالندهر در منزل دوستش به نام نواب شیخ امام‌الدین مقام کرد. سپس به امرتسر و سیالکوٹ و لاهور و گجرات وارد شد و آخر الامر در خانه خواهرزنش در جلالپور جتان که مادر ملک مولا داده بود سکنی گزید. اما بعدها برای خود خانه و ریاضت‌گاه و لنگر در محله کتره باوا والا که اکنون فاروق پارك است ساخت. به قول خودش در شهر جلالپور چنان آب‌ودانه خوش‌یافت و به لنگر بابا سنا معروف گشت. به ارشاد و هدایت مردم پرداخت. وزندگی عرفانی ویژه خود داشت تا در سال ۱۹۲۷ ه. ق در سن ۸۳ سالگی فرمان حقرا لبیک گفت و همانجا مدفون شد. گورش امروز زبارنگاه پیروان و معتقدان اوست، اما افسوس که ایران است.

خواجه سناءالله درباره سیر و سفر خود کتابی نوشته است که گویا «سفرنامه» نام داشته است اما صدافسوس که آن کتاب فعلاً مفقود است.

**۲۱ - ریاضت‌گاه و لنگر :** به اتفاق آقای دکتر علی اکبر جعفری مدیر مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان و به دعوت آقای سید ریاض حسین شاه خراباتی به شهر جلالپور جطان رفتیم و از خانه ریاضت‌گاه و لنگر بابا سنا و آرامگاه خواجه سناءالله خراباتی دیدار کردیم. خانه وی نمای آجری و اطاق‌ها و اطاق‌ها و طاقچه‌ها و رفه‌های مقوس دارد،

چندتا از اطاق‌های آن خراب شده است. در قسمت شمالی این خانه، آثار چند اطاق بود که ستونهای و سرستونهای چوبی آنها روی زمین افتاده بود. آنگونه که پیران شهر جلالپور چنان می‌گفتند و از آقای سیدریاض حسین شاه خراباتی شنیدم و آقای پیرسید نواب شاه راینوالی گجراتی تأیید نمود، این خانه و خرابه‌های آن، «ریاضت‌گاه» یا «لنگر» و یا «خرابات» خواجه سناءالله خراباتی بوده است. خواجه در آثارش نیز پیوسته از «لنگر» و «خرابات» خود در جلالپور جتان بخش گجرات یاد می‌کند: «خواجه سناءالله لنگر متوطن کشمیر ثم جمون ثم جلالپور ضلع گجرات، فتیر پیر خراباتی مشهور شد.»

لفظ «لنگر» در فارسی پاکستان و در اصطلاح عارفان و متصوفه به معنی جایی که در آن جا غذا و خوراک رایگان به فتیران و از راه رسیدگان و مهمانان می‌دهند. از قرار تحقیق خواجه سناءالله خراباتی بسیار سخی بوده و مردمان بی‌چیز و بی‌نوا را غذا می‌داده و لباس می‌پوشید و برای آنها جا و مکان تهیه می‌کرده است. هنوز هم در جلالپور جتان «لنگر بابا سنا» در یادها باقی مانده است.

**۲۲ - اخلاق و عادات :** خواجه سناءالله را در اخلاق و عادات و زهد و تقوی خارق‌العاده شمرده‌اند. وی در عبادت و ریاضت به حد افراط متحمل هرگونه رنج و مشقت می‌گردید و معتقد بود که عبادت و ریاضت بدون رنج و مشقت، روحانیت و معنویت ندارد و دربار گاه ذات‌الایزال قبول نمی‌شود. به مال و منال دنیوی توجهی نداشت، مثلاً عادت داشت که هر روز آنچه که از ائانه خانه و مأکولات و ملبوسات به دست می‌آورد می‌بخشید و معتقد بود که خدای بزرگ، روزی امروز را، امروز، و روزی فردا، فردا می‌دهد. فقط یک ظرف آب برای طهارت و وضو نگاه می‌داشت. به مریدان خاص خود دستور داده بود که یکی از آنها خواجه نظر محمدخان افغان بود که اجازه ندارد چیزی به خانه آورد و در شب نگاهدارد بجز یک «لوطا - آفتابه» آب برای شست‌وشو و وضو و طهارت.

گویند روزی خواجه نظر محمد به بازار رفت و برای خود نوعی زیور که از طلا ساخته بود خریداری کرد. خواجه خراباتی فهمید، او را مذمت کرد و گفت: «من هرچه دارم بیرون ریخته و خانه را جاروب کرده‌ام اما تو دوباره آنها را به خانه و لنگر باز آورده‌ای، هرچه زودتر آنها را بیرون ببر و به فتیران ببخش.»

**۲۳ - دوستان :** خواجه سناءالله خراباتی را دوستان

بسیار بوده است و این دوستان معاشر معنوی و مجالس روحانی و مدد کاری مادی وی به حساب می‌آمده‌اند. قطب‌الدین استاندار سرینگر بود که به وی اسب و اشرفی بخشید که زاد و توشه راه گردانید تا به پنجاب رسید. دیوان جواله‌سهای استاندار کشمیر، شیخ امام‌الدین، صدرالدین، دیسا سنگهه، دیوان کرپارام، غلام قادر سررشتندار در بخش گجرات، سید ظهیرالدین ساکن تهرام در خطه کشمیر شهرستان «نانیا» از بستگان شیخ حسین خوارزمی، سید فضل‌شاه ساکن پندی میانی در چهار میایی جلالپور جتان، محمد صدیق در جلالپور جتان، نواب شیخ امام‌الدین خان دیره یار کلان بخش جالندهر، امام‌الله شاه پدر حفیظ‌الله و عبادالله‌شاه، نبی بخش سروش، اهل گجرات از خاندان شیخ قانون‌گو مؤلف «جمعیت‌نامه» (رك: سماع‌العرفان، دردنامه، تفریح‌المجالس، مهاراجه‌نامه، گلبدن، تذکرةالواصلین، تذکرة الکاملین).

**۲۴ - کاروبار:** در قسمت «سیروسفر» نوشتم که خواجه سناءالله، خراباتی به کارهای گوناگون و شغل‌های مختلف دست یازیده است. از آغاز زندگی پیوسته دنبال کار و کوشش بوده است و برای تأمین زندگی و معیشت خود نخست به شغل رفوگری پرداخته است و بدین نام شهرت داشته است چون استعداد هنری داشته به نقاشی روی آورده است. اما هیچ‌گونه اثر نقاشی از وی تاکنون به دست نیامده است. آنگاه که به دربار مهاراجه گلاب سنگهه راه یافته متعددی امور داخلی و خارجی کاخ سلطنتی مهاراجه شده که می‌توان به «وزیر» تعبیرش کرد. سپس به مقام تصدی امور «توشه‌خانه» یا سرپرست تشریفات و مهمان‌داری و مهمان‌نوازی رسید. سالها در این مقام باقی ماند تا اینکه به مقام قافله‌سالاری سوداگران یا وزارت تجارت مهاراجه منحوب گردید و در این شغل بود که در رأس گروهی از تاجران به سیر و سفر پرداخت و به افغانستان و ایران و ترکستان و روس سفر کرد و کارهای شایان از خود نشان داد. ضمن این سفر به کوشش‌های ادبی و مجالست با بزرگان شعر و سخن و مصاحبت با پیران طریقت‌های مختلف همت گماشت. نتیجه این سیر و سفر یک کتاب بوده که احیاناً «سفرنامه» نام داشته است که فعلاً مفقود است و شاید نسخه آن در کتابخانه‌های کشمیر و جمون موجود باشد.

خواجه سناءالله آنگاه که از سفر بازگشت به علت اتهاماتی که بر او ناروا وارد آوردند از دیار مهاراجه گلاب سنگهه بیرون آمد و فقط به تألیف و تصنیف و تحریر پرداخت و در حقیقت به «مقام روحانی» یا «درجه پیری و مرشدی»

رسید و به ارشاد و هدایت مردم پرداخت و همانگونه که نوشته آمد در شهر جلالپور جتان «ریاضتگاه» و «لنگر» و «خرابات» برای خود ساخت و تا آخر عمر از این طریق امرار معاش می‌کرد.

**۲۵ - کرامات:** الفاظ از «غیب» و «ازغیب‌الغیب» و «به من رسید» و «خبردادند» در آثار خواجه سناءالله خراباتی بسیار دیده می‌شود. پیروان و معتقدان وی داستانهای شگفت‌آور و حکایات عجیب درباره «غیب‌گویی» و «پیش‌گویی» و «کرامات» او می‌گویند. شك نیست که علم «رمل» و «جفر» و «ستاره‌شناسی» و «قیافه‌شناسی» و «خواب‌گرایی» و امثال این فنون یا به قول خودش «علوم» را مطالعه کرده بوده است و بعضی «آینده‌نگری‌ها» و «پیش‌گویی‌ها» می‌کرده است. از پیر سید نواب‌شاه راینوالی و از آقای سید ریاض حسین‌شاه خراباتی و از بعضی مردم گجرات و جلالپور چنان شنیدیم که خواجه «کرامات» داشته است و با آب و تاب آن کرامات را نقل می‌کنند و بدانها توسل می‌جویند اینک چند کرامت وی را از زبان سید ریاض حسین‌شاه خراباتی می‌نویسم.

۱ - یکی از شاگردان خواجه سناءالله شخصی را کشته بوده به عنوان اینکه کافر است ولیکن قاضی شهر کافر بودن شخص را نپذیرفته و او را به زندان افکنده است. خبر به خواجه برده‌اند. خواجه گفته است او خوکی بوده، بروید و ببینید. وقتی که روپوش آن کشته را کنار زده‌اند یک خوک مرده ظاهر شده است.

۲ - یک روز در جلو بعضی از مردم که از کتابهای او انتقاد کرده بودند، آنها را در رود راوی ریخت، اما باز به تقاضای آنها که پشیمان شده بودند، بدون اینکه حتی کلمه‌ای از آنها خراب و یا شسته شده باشد خشک و سالم آنها را از آب بیرون آورد.

۳ - روزی گروهی از مردم او را امتحان کردند و آناری به وی دادند و گفتند: «باید قبل از خوردن تعداد دانه‌های آنرا بگویی». وی تعداد دانه‌های آنرا نوشت وزیر قلمدان خود گذاشت و دستور داد آن را شکستند و دانه‌هایش را شمردند و به آن نوشته رجوع کردند همان بود که خواجه گفته بود.

۴ - روزی دیوانه‌یی را برای معالجه پیش خواجه آوردند. او متداری آب را که بر آن دعا خوانده بود بر چهارداش پاشید و فوراً عاقل و سالم شد.

۵ - شخصی به نام «دپتی یارمحمد گجراتی» برای

مشکلات خود پیوسته به خواجه مراجعه می‌کرد و می‌گفت که «ناخدای من در جلالپور چنان است» چون از وی کرامت دیده بود .

۶ - هنگامی که خواجه سناءالله کودکی بازی‌گوش بوده است ، به اصابت يك سنگ که ناگهانی از جانب همبازیش بر سر او می‌آید کشته می‌شود ، اما بار دیگر به دعای جد مادریش سید عبدالغفور شاه «زنده» می‌شود بعضی‌ها این کرامت را از خود او می‌دانند .

۷ - بزرگترین کرامت خواجه آنکه پیش از یکصد تألیف و تصنیف از خود باقی گذارده است اگر کرامات خواجه سناءالله را بنویسم به اطناب می‌گیریم و تصدیق می‌دهم .

۸ - پس از مرگ خواجه برای او کرامات بیشتر فائز شده‌اند تا آنجا که گویند از قبر او همیشه «نور» و «روشنائی» ساطع است والله اعلم بالصواب .

۲۶ - وفات ( ۱۲۹۷ هـ . ق ) : آخرین تاریخی که به خط خواجه سناءالله خراباتی در نسخه‌های خطی وی به دست آمده « ۱۲۹۴ هـ . ق » است ، اما به‌طور قطع پس از این تاریخ هم زنده بوده است . زیرا آقای سیدریاض حسین‌شاه خراباتی بازمانده خاندان خواجه خراباتی و پیر سید نواب شاه آخرین خلیفه وی و امام جامع مسجد نوری در لاهور می‌گفتند و نیز گروهی از پیران جلالپور چنان شهادت می‌دادند تا سال « ۱۲۹۷ هـ . ق » در قید حیات بوده است و گویا در همین سال گذشته باشد . آرامگاه او در يك دشت سبز و خرم در شهر جلالپور چنان بر سر شاه راه کلاچور نزد دوچاه آب واقع شده است ، ولیکن ویران است و تنها آثار چند دیوار آجر و برجستگی قبر او نمایان است . در کنار قبر او همسرش و خواجه‌نظر محمد خلیفه و کاتب خاص وی مدفون است . هیچگونه نشانی و یا سنگی منقور یا کتیبه‌شده بر روی قبر آنها وجود ندارد که بیان‌کننده باشد بر اینکه قبر خواجه سناءالله خراباتی و همسر و خلیفه‌اش کدام است ، فقط از زبان مردم شهر و بازماندگان وی باید شنید ، و اگر تا چند سال دیگر آن چند دیوار آجری و آن برجستگی‌های خاک‌گور از بین برود دیگر نشانی از گور خواجه سناءالله و دیگران باقی نخواهد ماند . ای کاش برگور او بنایی ساخته شود تا هم روان خواجه شاد و هم پیروان و معتقدان او را خوش آید و نیز حق خدمت این شاعر پرشور و خوش زبان و ادب فارسی ادا کرده شود .

۲۷ - سر نوشت نسخه‌ها : همانگونه که در پیش آوردم ، خواجه سناءالله خراباتی پیش از یکصد تألیف داشته است که

۵۲ تألیف وی به ما رسیده است . این نسخه‌های ۵۲ گانه نخست در نزد خویش بوده است و به هیچ‌کس حتی به فرزندان نداده است . اما به خواجه نظر محمد مرید مخلص و خلیفه و کاتب خاص خودش دستور داده که پس از مرگ ، کتابهای وی را محفوظ دارد و ضمناً هر کس که بخواهد استفاده کند در اختیار او قرار دهد . بعد از مرگ خواجه نظر محمد به بابا فضل‌شاه مرید خاص خواجه نظر محمد رسیده و از او به نوه بابا فضل شاه پیر سید نواب شاه راینوالی گجراتی منتقل گردیده است و سرانجام حق به حقدار رسیده است . و سید ریاض حسین شاه خراباتی نبیره دختری خواجه سناءالله خراباتی آنها را تصاحب کرده است و فعلاً آنها را در کتابخانه گنج‌بخش مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان به امانت سپرده است .

### ۲۸ - غرفه خواجه سناءالله خراباتی

در کتابخانه گنج‌بخش غرفه‌یی به نام «گنجینه نسخه‌های خطی خواجه سناءالله خراباتی» اختصاص یافته است و مالک آنها مختار است که هر وقت خواست آنها را ببرد و اگر برایش حادثه‌یی پیش آمد ، پسرانش سیدظاهر حسین خراباتی و سید طارق حسین خراباتی و سید ضرار حسین خراباتی می‌توانند آنها را تصاحب کنند . هر کس می‌تواند این نسخه‌ها را در کتابخانه گنج‌بخش مطالعه کند و هیچ‌کس اجازه خروج آنها را ندارد و نمی‌تواند بدون اجازه مالک آنها ، به چاپ و نشر آنها دست یازد .

۲۹ - معرفی : الف - برای اولین بار در سال ۱۲۸۱ هـ . ق نبی‌بخش سروش گجراتی کوتوال (کلاوتر) وقت در کتاب «جمعیت‌نامه» که به زبان فارسی چاپ و منتشر شد احوال و آثار و اشعار خواجه سناءالله خراباتی را نوشت . در آن زمان خواجه زنده بود و آنچه که درباره‌اش نوشته شده خودش بر آن نظارت داشته است و چند غزل که از او نقل شده است خودش تصحیح کرده است .

ب - بعد از آن آقای حکیم محمد موسی طبیب و ادیب امرتسری ساکن لاهور در سال ۱۹۶۹ هـ . ق . مقاله‌یی تحت عنوان خواجه سناءالله خراباتی در مجله «ادبی دنیا» که به زبان اردو در لاهور چاپ می‌شود نوشت و اندکی از احوال و آثار خواجه را آورد و تا اندازه‌یی او را به مردم شناسانید .

ج - سپس آقای پروفیسور احمد حسین قریشی قلعه‌داری استاد زبان اردو و فارسی و عربی و پنجابی در دانشکده زمیندار گجرات به زبان اردو تحت عنوان «پیر خرابات» در ۸۰ صفحه نوشت و به اهتمام سیدریاض حسین‌شاه خراباتی و به همکاری «مکتبه نبویه» و با مقدمه آقای علامه اقبال

احمد فاروقی چاپ و منتشر گردید. این کاملترین و بهترین شرح حال و آثار خواجه سناءالله خراباتی به زبان اردو است، و لیکن از اشتباهات و غلط‌هایی چند خالی نیست که انشاءالله در چاپ‌های بعدی اصلاح خواهد شد. آقای دکتر وحیدالدین قریشی در «مجله صحیفه» تقریظی یا تنقیدی بر کتاب «پیر خرابات» نوشته است.

د - پس از آن خانم دکتر ممتاز طفیل در رساله دکتری خود که تحت عنوان «کتاب‌های تصوف به زبان فارسی در پاکستان و هند» راهنمایی آقای دکتر حسین خطیبی در ۱۳۴۷ خورشیدی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران گذرانید، احوال و آثار خواجه سناءالله خراباتی را مفصل نوشت. این رساله در ۴ مجلد و در حدود ۲۰۰۰ صفحه است و تألیف ارزنده‌یی است در موضوع کتب متصوفه در سرزمین پاک و بزودی از طرف اداره انتشارات مرکز تحقیقات ایران و پاکستان چاپ و منتشر می‌شود.

ه - و بالاخره استاد پیرحسام‌الدین راشدی دانشمند ایران‌شناس مشهور در تذکره بخش اول (ص ۲۲۶-۲۲۷) اندکی از احوال و آثار خواجه از همان کتاب «پیر خرابات» نقل کرده است.

و - برای نخستین بار در زبان و ادب فارسی فهرست تألیفات و سروده‌ها و شرح احوال و نقد آثار پیر خرابات جلالپور جتان تحت عنوان «فهرست نسخه‌های خطی خواجه سناءالله خراباتی» تألیف این حقیر از طرف اداره انتشارات

مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان منتشر شده و به پیشگاه خداوندان دین و دانش و دوستداران فرهنگ و هنر پیشکش شده است.

۳۰ - هدف: نسخه‌های خطی که در این مقاله معرفی

شده در حقیقت از يك کتابخانه خصوصی هستند و هدف این بوده است که مالکان اینگونه کتابخانه‌های خصوصی را که به آنها عنوان گنجینه‌های خصوصی نسخه‌های خطی و کتابهای چاپی می‌توان داد آگاه گردانیم و شایق و راغب سازیم تا نسخ خطی و کتابهای چاپی خود را از دستبرد اهرمن روزگار و از دندان و چنگال موش و از نیش کرم و دیگر آفات کتابی مانند خاك و گردوغبار و آب و نم محفوظ و مصون نگاه دارند و ضمناً تشویق گردند و اجازه دهند تا از نسخ خطی آنها فهرست برداری شود تا همگان از میراث مشترك فرهنگ و ادب و هنر و تاریخ دوکشور ایران و پاکستان بهره‌مند گردند و در تدوین تاریخ مستند و مطمئن فرهنگ و ادب هر دو ملت کمکی شده باشد.

مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان با چاپ و نشر این فهرست و دیگر فهراس می‌خواهد از کلیه مالکان گنجینه‌های کتب خصوصی خطی و چاپی دعوت به عمل آورد تا در تهیه فهرست نسخ خطی خود بکوشند و از این راه حق خدمت را به زبان و ادب و فرهنگ و هنر هر دو ملت ادا نمایند.

